

مجموعه تماشای شهر (۵)

بَمبئی رقصِ الوان است

بَمبئی به روایت مسافران دوره قاجار
علی اکبر شیروانی



www.ketab.ir

سرشناسه:	شیروانی، علی اکبر، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور:	بمبئی رقص الوان است؛ بمبئی به روایت مسافران قاجاری / دبیری و تدوین علی اکبر شیروانی؛ تحقیق زهره ترابی.
مشخصات نشر:	تهران - نشر اطراف، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۱۲۸ ص.
فروست:	مجموعه تماشای شهر؛ ۵
شابک:	دوره ۵- ۲-۹۶۸۸۳-۶۰۰-۹۷۸ جلد ۵: ۸-۷-۹۸۰۱۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
موضوع:	سفرنامه‌های ایرانی - قرن ۱۳ ق.
موضوع:	بمبئی (هند) -- سیر و سیاحت
شناسه افزوده:	ترابی، زهره، ۱۳۶۹
زده بندی کنگره:	۱۳۹۶ آب ۱۳۲۵/DSR
زده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۷۴۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی:	۵۰۶۷۲۴۵

مجموعه تماشای شهر (۵)

بمبئی رقص الوان است

دبیری و تدوین: علی اکبر شیروانی

تحقیق: زهره ترابی



اطراف

مدیر هنری: کیارنگ علایی
طراح جلد: حسین اسکندری
دبیر فنی: محمدرضا لری چی
بازبینی نهایی متن: محمد مهدی حیدری
چاپ: کاج
صفحات: نمونه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۱۹-۷۰۸
چاپ هفتم: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای حشر اطراف محفوظ است. هرگونه تکتیو، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپ، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است. نقل ریش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه تاپان، پلاک ۱۱، واحد ۱

تلفن: ۲۲۹-۲۹۷۵

Atraf.ir

مقدمه ... ۷

این رشوه بی انصاف ... سید محمدحسن ... ۱۱

زنان عاقله حسینه ... میرزا ابوطالب خان ... ۲۷

سلسله فارسی ... حاجی پیرزاده ... ۳۷

سرخ عبیر آمیز جگری فام ... محمد علی بهبهانی ... ۵۷

بسیار عالی جناب ... میرزا عبدالرئوف ... ۹۳

در زمره عفا یف ... نایب الصدر شیرازی ... ۱۰۱

جور به جور ... حاجیه خانم علویه کرمانی ... ۱۰۹

شرح کلمات ... ۱۲۲

مکان ها ... ۱۲۳

نام ها ... ۱۲۴

منابع ... ۱۲۶

مقدمه

دراز اسفرا که ماییم و کوتاها سفرا که ماییم
چندانک می‌روییم نه منزل پدید است و نه پایان.
ابوالحسن خرقانی

پیچیدگی شهر آن است که هم قفس است و هم رهایی. شهر گاهی چنان
تنگ می‌شود که راهی به جز فرار از او نیست و گاهی چنان پذیرا که
جایی چون آغوش او نه. شهرها پوشیده‌اند از هزار تناقض: چرا دوست‌شان
داریم؟ چرا دوست داشتن مان را نمی‌فهمند؟ چرا چنان نیست که در خور
عشق مان باشند؟ این همه دل‌بستگی به شهرها از کجا می‌آید؟ چرا روزی
محبت‌شان را می‌بینیم و روز دیگری کین و قهرشان را؟ چرا وقتی در
شهر آرامیم و زمانی آشفته؟ چرا نه طاقت دوری‌شان را داریم و نه توان
تحمل‌شان را؟ چرا هزار خاطره‌مان با شهرهاست و هزار آسیب از شهرها؟
گویا پاسخ این سؤالات در دوری و فاصله است تا در فراق شهر خودمان
را پیدا کنیم و شهر را از دور تماشا کنیم؛ تماشایی که بیش از تماشای شهر
تماشای خودمان است.

شهرها خودِ فردی و خودِ جمعی ما هستند که گاهی دچار ملال‌اند و گاهی طربناک. ما بهانه‌های زیادی می‌تراشیم برای غم و شادی و انگشت اشاره دائم به سوی کسی یا چیزی می‌گیریم که عامل آن بهانه‌هاست اما به نظر می‌رسد منشأ بی‌آرامی و آرامش، بیش از جهان بیرون در درون ماست. شهره‌ترین بهانه‌ها را در نظر بیاورید: چگونه است که تولد کودکی یا مرگ عزیزی بر همهٔ کسانی که به یک اندازه در آن ماجرا شریک‌اند تأثیر یکسانی ندارد؟ چرا فرزندان پدر یا مادری متوفی و خواهر و برادران نوزادی تازه‌متولد به یک اندازه غمناک یا شادی‌خوار نیستند؟ خودهای مردمان، آن عنصر سازنده‌شان که از چیزهای مختلف سرچشمه می‌گیرد، با هم متفاوت‌اند و این خودها به عاملی ثابت واکنش‌های گوناگون نشان می‌دهند. شهرها نیز با جنگ و صلح که رایج‌ترین بهانه‌های حزن و سرورشان است تا بهانه‌های دیگری چون اغتشاش و اعتراض یا سال‌نو و جشن‌های ملی چنین وضعی دارند.

شهرها خودشان را در ما، در رفتارهای جمعی ما، در کردار اجتماعی ما و در حیات روزانهٔ ما متبلور می‌کنند و ما خودمان را به شکل‌های گوناگون پیدا می‌کنیم. از ایام کهن تاکنون از راه‌های شایع خودشناسی دوری از محل سکونت بوده است و اهمیت سفر نیز در پیوندی است که میان مسافر و مبدأ و مقصد سفر حاصل می‌شود. ما عزم سفر می‌کنیم و اولین ره‌توشه‌ای که به دوش می‌کشیم خودمانیم و به شهر و دیاری دیگر می‌رویم که خودمان را به آن عرضه کنیم و در معرض قرار گیریم تا تراش بخورد این خود یک‌جانشسته. مسافر در بازگشت به شهرش خودِ دیگری سوغات می‌آورد و این از هرآنچه به سوغات برمی‌چیند مهم‌تر است.

بعد از هر سفر مسافر دو مرحله را طی می‌کند: ملال پس از سفر و نشاط پس از ملال. این نشاط پس از سفر، هم با مرور خاطرات و ورق زدن تصاویر سفر حاصل می‌شود و هم در آن خودی که جدید است و

پیش از سفر نبوده است. پیشینیان ما با همه مخاطرات - حتی اگر به قول حضرت حافظ «بیم جان درو درج» بود - سفر می کردند و در سفر چیزی فراتر از سیاحت شهر می جستند که آن چیز فراتر، بیرون از سفر نبود اما چنان آشکارا هم نبود که چون تحفه ای بگیرندش و بازگردند. آنها هم خود فردی شان را در سفر می کاویدند و هم خود جمعی شان را در سفر می جستند و هرچه دورتر می رفتند دستاویزهای عجیب تری می یافتند. بخشی از جذابیت سفر به شهرهای دور، از جستن همین سوغات غریب خودشناسانه می آید و بیهوده نبود تحمل آن همه رنج سفر در روزگاری که سفر آسان نبود. سفرنامه ها کارنامه خود کاوی هاست و ما گرچه بی نیاز از سفر نیستیم، می توانیم نگاهی به کارنامه مکتوب نیاکان بیندازیم تا خود جمعی و فردی مان را محک بزنیم، مقایسه کنیم، بسنجیم و امروزی اش کنیم. آنچه از شهرهایی چون پاریس، استانبول، لندن، سن پترزبورگ و بمبئی در دست داریم خودنگاره فردی و جمعی پدران ماست و ما همچنان می توانیم خود جمعی و فردی مان را در آن بیابیم و توأمان سرچشمه ای بدانیم شان از میراث سرمشق های اجدادی. مجموعه «تماشای شهر» - به امید آنکه چراغی باشد برای خود کاوی جمعی و فردی خوانندگان - کارنامه خود جوئی تنی چند از گذشتگان نه چندان دور و نه چندان نزدیک است.

در ارائه کارنامه خودشناسانه مسافران دوره قاجار کوشیده ام بیش از اهتمام به دغدغه های صلب و سخت مورخان و پژوهشگران، به روایتی برسم که خواندنش برای مخاطب شیرین و خیال انگیز باشد. در کتابی که در دست دارید امروزی خواننده در رسم الخط و علائم ویرایشی مراعات شده و همچنین شرح برخی کلمات و جملات مشکل در پایان کتاب افزوده شده است که به هیچ عنوان مدعی ارائه تمام معانی کلمه نیست. در حالی که در سال های پایانی قرن سیزدهم شمسی بر سر ضبط نام ها و اعلام اجنبی به فارسی اختلاف نظر وجود دارد، پافشاری بر ضبط

کهن اعلام عبث بود؛ بنابر ضرورت، همهٔ اعلام براساس ضبط شایع امروزی تغییر یافته است. معتقدم بخشی از ساختار زبان که با صحیح و غلط می‌شناسیم از وضعیت عمومی جامعه ناشی می‌شود و همین دیدگاه باعث شد پا از این فراتر نگذارم و غلط‌ها و خطاهای نگارشی و فنی را به شکل و سیاق سابق حفظ کنم.

آنچه در دست دارید شکل نمی‌گرفت مگر با لطف و حمایت پژوهشگران نشر اطراف و سرکار خانم نفیسه مرشدزاده—بی‌پایان سپاس ایشان را.

علی اکبر شیروانی

زمستان ۱۳۹۶